

آثار حقوقی انتقال سهام بر وضعیت تابعیت شرکتهای سهامی ایرانی و خارجی

حامد میرزایی شریفی کارشناس ارشد حقوق بین الملل ، معلم شهرستان دلفان

چکیده:

یکی از مهمترین شرکتهای تجاری داخلی و خارجی، شرکت تعاونی است. در ازای آورده ای که شریک به این شرکت می آورد به او سهم تعلق می گیرد. در مورد سهم این شرکت، بحث های مختلفی مطرح میگردد. از جمله اینکه تابعیت و ماهیت سهام این شرکت چیست؟. مساله دیگری که مطرح می شود این است که آیا امکان انتقال سهام این شرکتها وجود دارد و یا خیر و در صورت امکان شرایط و آثار آن چیست؟ نتیجه بررسی های به عمل آمده در این پژوهش نشان می دهد که سهام شرکتهای سهامی ایرانی و خارجی را باید یک حق مالی محسوب کرد که منقول نیز می باشد. بعلاوه در مورد انتقال آن بین انتقال به عضو شرکت و غیر عضو شرکت و انتقال قهری و اختیاری سهام تفاوت وجود دارد. به این صورت که انتقال اختیاری سهام شرکتهای سهامی ایرانی و خارجی به عضو همان شرکت مجاز بوده و عضو شرکت تعاونی می تواند سهم یا سهام خود را به عضو دیگر همان شرکت منتقل نماید. انتقال اختیاری سهم شرکت سهامی ایرانی و خارجی به غیر عضو مجاز نیست. انتقال قهری سهام به غیر عضو شرکت سهامی ایرانی و خارجی زمانی پیش می آید که عضو شرکت تعاونی فوت کند و هیچ کدام یا بعضی از ورثه وی که سهام به آنها منتقل می شود، عضو همان شرکت تعاونی نباشند که در این صورت سهام مذکور به طور قهری به وراث او منتقل می شود. همچنین انتقال سهام آثاری را در ارتباط با انتقال دهنده و انتقال گیرنده و نیز شرکت به دنبال خواهد داشت که در این پایان نامه مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی:

شرکت تعاونی، سهم، ماهیت، مال، انتقال

مقدمه :

اتباع ایرانی یا اشخاصی که در ایران اقامت داشته و یا دارای یک مقر واقعی و موثر صنعتی و تجاری باشند، می توانند حسب مورد به استناد اظهارنامه یا علامت ثبت شده در مرجع ثبت، تقاضای ثبت بین المللی نمایند. ثبت بین المللی علامت مستلزم تسلیم اظهارنامه به مرجع ثبت است. اظهارنامه ی ثبت بین المللی علامت در فرم رسمی و حسب مورد به زبان های تعیین شده، در سه نسخه تهیه و تسلیم مرجع ثبت خواهد شد. به موجب مقررات ثبت بین المللی علائم تجاری، علامت با توجه به قوانین داخلی هر کشور مورد بررسی قرار می گیرد و سپس وارد طریق بین المللی خود می شود یعنی ثبت بین المللی علائم تجاری در مرحله ی اول با ثبت ملی در اداره ی کشور مبداء صورت می گیرد و سپس بصورت اتوماتیک با تعیین کشورهای مورد نظر در سطح بین المللی انجام می شود. امتیاز این سیستم این است که متقاضی با تسلیم یک اظهارنامه ی بین المللی از طریق اداره ی مالکیت صنعتی به واپیو می تواند در صورت تمایل در ۸۵ کشور عضو موافقتنامه و پروتکل مادرید یا تعدادی از آن ها بسته به انتخاب خود حمایت از علامت تجاری خود را درخواست و کسب نماید. اظهارنامه ی ثبت بین المللی وقتی پذیرفته می شود که مدارک زیر به آن ضمیمه شده باشد:

۱- مدارک مثبت هویت متقاضی،

۲- اظهارنامه یا گواهی نامه ی ثبت علامت در ایران،

۳- وکالت نامه، چنانچه تقاضا توسط وکیل به عمل آمده باشد،

۴- رسید مربوط به پرداخت هزینه ی بررسی اولیه، مرجع ثبت مکلف است مشخصات اظهارنامه ی ثبت بین المللی را با مشخصات علامت یا اظهارنامه ی ثبت شده در ایران مطابقت نماید. در صورت احراز، مطابق مشخصات و پس از پرداخت هزینه های مقرر طبق موافقت نامه و پروتکل مادرید توسط متقاضی، مرجع ثبت اظهارنامه ثبت بین المللی را در دفتر ثبت اظهارنامه وارد و بر روی هر یک از نسخ اظهارنامه تاریخ دریافت و شماره ی آن را قید نموده و با امضاء آن، نسخه اول اظهارنامه را که حاوی اعلامیه ی مذکور در آیین نامه ی مشترک می باشد به متقاضی جهت ارسال به دفتر بین المللی تسلیم می نماید. اظهارنامه ی مذکور باید حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ ثبت در دفتر ثبت اظهارنامه به دفتر بین المللی فرستاده شود. نسخه ی دوم اظهارنامه که دارای همان مشخصات نسخه ی اول است، به عنوان سابقه در مرجع ثبت بایگانی می شود. نسخه ی سوم به عنوان رسید به متقاضی مسترد می گردد. در صورت عدم مطابقت مشخصات، متقاضی باید آن را اصلاح نماید. در غیر این صورت اظهارنامه ی بین المللی پذیرفته نخواهد شد. هرگاه اظهارنامه ی اصلی، ثبت ناشی از آن یا ثبت اصلی حسب مورد ظرف ۵ سال از تاریخ ثبت بین المللی اعتبار خود را در ایران از دست دهد، مرجع ثبت مراتب را طی اطلاعیه ای به دفتر بین المللی به دفتر بین المللی درخواست خواهد کرد که ثبت بین المللی را در حدود لازم باطل نماید. چنانچه، اقدام قانونی مربوط به لغو اعتبار مذکور در فوق پس از انقضای ۵ سال همچنان در جریان باشد و منتهی به یک تصمیم قطعی نگردد، مرجع ثبت باید مراتب را ضمن ذکر کالاها یا خدماتی که مشمول تصمیم مربوط قرار گرفته اند، به دفتر بین المللی اطلاع داده و کالاها یا خدماتی که مشمول تصمیم مربوط قرار گرفته اند، به دفتر بین المللی اطلاع داده و از آن درخواست کند که ثبت بین المللی را در حدود لازم باطل نماید. اگر، بر اساس اطلاعیه واصله از دفتر بین المللی، ایران به عنوان یکی از کشورهای تعیین شده در اظهارنامه ثبت بین المللی باشد، مرجع ثبت ضمن رعایت تشریفات مقرر در موافقت نامه و پروتکل مادرید، اظهارنامه ی مذکور را طبق قانون و این آیین نامه از لحاظ ماهوی مورد بررسی قرار می دهد. بررسی تغییرات بعدی علامت پذیرفته شده نیز مشمول همین ترتیبات است.

مرجع ثبت پس از انتشار آگهی اظهارنامه ثبت بین المللی در روزنامه ی رسمی و انقضای مهلت ۳۰ روز، در صورت نبودن معترض مکلف به پذیرش علامت است و در این صورت شماره و تاریخ ثبت اظهارنامه در دفتر بین المللی، در حکم شماره و تاریخ ثبت علامت در ایران خواهد بود. متقاضی ثبت بین المللی علامت، در صورت رد پذیرش اظهارنامه یا اعتراض به تقاضای ثبت، می تواند اعتراض خود را در چارچوب مواد ۱۲۴، ۱۲۱ و ۱۲۵ این آیین نامه تسلیم کمیسیون موضوع ماده ی ۱۷۰ این آیین نامه نماید. چنانچه متقاضی ثبت بین المللی علامت، در ایران اقامت نداشته باشد، جهت تسلیم اعتراض یا هرگونه پاسخ یا اطلاعیه ای باید وکیلی که در ایران اقامت دارد را به مرجع ثبت معرفی نماید. هرگاه مالک علامت ثبت شده در ایران متعاقباً ثبت بین المللی همان علامت که در ایران نیز مشمول حمایت است را کسب کند، ثبت بین المللی آن علامت بنا به درخواست و اعراض متقاضی از مالکیت علامت ثبت شده در ایران، جایگزین ثبت در ایران می گردد، مشروط بر اینکه تمامی کالاها

بیان مسالہ :

3

بازرگانی محسوب می شود، ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد». این راه حل با وضعیت خاص شرکت سهامی کاملاً مطابق است؛ چه سرمایه شرکت سهامی به سهام تقسیم می شود و سهام آن آزادانه قابل انتقال است. بنابراین، هیچ شرکتی، حتی اگر موضوع فعالیت آن مدنی باشد (مثل خرید و فروش اموال غیر منقول)، نمی تواند در حالی که سهام قابل نقل و انتقال صادر می کند و در آن مسئولیت شرکا محدود به آورده آنهاست، ادعا کند که چون فعالیت تجاری نمی کند باید شرکت مدنی تلقی شود. البته باید توجه داشت که ممکن است شرکت سهامی هم از نظر شکل تجاری باشد و هم از نظر موضوع فعالیت؛ مانند بانک، شرکت های بیمه، و حمل و نقل (اموری که به موجب ماده ۲ قانون تجارت ۱۳۱۱ تجاری تلقی می شود).

به موجب ماده ۴۱ لایحه قانون تجارت، نقل و انتقال سهام در شرکت سهامی عام قابل اعمال محدودیت نیست و سهامداران آزادانه می توانند سهام خود را منتقل کنند. اما در شرکت سهامی خاص با توجه به مفهوم مخالف ماده ۴۱ لایحه، می توان انتقال را منوط به موافقت مدیران یا اساسنامه یا مجامع عمومی نمود. توجه شود که سهام وثیقه مدیران در ماده ۱۱۴ لایحه، قابل نقل و انتقال نمی باشد. اعمال محدودیت نقل و انتقال در ماده ۴۱ لایحه، به معنای سلب حق انتقال نمی باشد بلکه فقط می توان انتقال را منوط به موافقت مراجع حاضر در شرکت نمود.

در صورتی که شرکت سهامی خاص، نقل و انتقال سهام را با محدودیت مواجه کند و مدیران و مجامع عمومی با نقل و انتقال سهام موافقت نکنند، تنها راه برای خروج سهامدار از شرکت باز خرید سهام می باشد. در این صورت سرمایه شریک به او پرداخته می شود و سرمایه شرکت به میزان سهم شریک خارج شده کاهش پیدا می کند. مثلاً اگر سرمایه شرکت ۱۲۰ میلیون باشد و سرمایه شریکی که متقاضی خروج است ۳۰ میلیون باشد، ۳۰ میلیون به او پرداخت شده و سرمایه شرکت به ۹۰ میلیون کاهش پیدا می کند. باز خرید سهام با ممنوعیت خرید سهام توسط شرکت که در ماده ۱۹۸ لایحه عنوان شده متفاوت است.

به عقیده دکتر پاسبان، نمی توان در اساسنامه انتقال مالکیت از طریق ارث را منوط به رضایت دیگر سهامداران و مدیران نمود اما می توان در اساسنامه، انحلال شرکت از سوی هر یک از سهامداران یا بخش معینی را در صورت ورود قهری ورثه سهامداران بر اثر فوت صاحب سهم، پیش بینی نمود.

پیشینه پژوهش:

بگدلی (۱۳۸۳) پژوهش خود را به بررسی اثرات مالیات بر نقل و انتقال سهام در بازارهای مالی با بهره گیری از تجربه عملی برخی از کشورها در این زمینه و اثرات احتمالی آن در ایران پرداخته است. طبیعی است که با توجه به ویژگی های بازارهای مالی و اعمال سیاستگذاری های مختلف، اثرات مالیات بر نقل و انتقال سهام متفاوت بوده و با در نظر گرفتن دلایلی مانند عدم وجود آمار مناسب و تاثیرات کم و بیش ضد و نقیضی که مالیات بر نقل و انتقال اوراق بهادار بجای می گذارد، نتیجه گیری نهایی دشوار است. در مجموع نتایج حاکی از آن است که در اکثر موارد، مالیات بر معاملات و موارد مشابه آن مانند نظارت های سرمایه ای می تواند تاثیری منفی بر روی افزایش قیمت، نوسان و قابلیت نقدشوندگی داشته و باعث کاهش کارایی بازار گردد. در این راستا، دلیل محکمی وجود دارد که نشان می دهد، مالیات بر نقل و انتقال سهام، کشف قیمت تعادلی و نوسانات و نقدینگی بازار اثر منفی گذاشته و در نهایت منجر به کاهش کارایی بازار و افزایش نوسانات می شود و بر این اساس در اکثر بازارهای توسعه یافته سعی شده است با کاهش یا حذف آن قدرت رقابتی را افزایش و هزینه های معاملاتی و ریسک بازار را کاهش دهند. بدین ترتیب، به نظر نمی رسد که اتخاذ سیاست های افزایش نرخ مالیات بر معاملات در بازار سهام ایران- به عنوان بازاری نوپا و در حال توسعه - اثرات مطلوب یک سیاستگذاری اصولی و مناسب را به همراه داشته باشد. لیکن بنا به ادله فوق، ساختار فعلی هزینه ای معاملاتی و مالیات بر فروش سهام می تواند مورد بازنگری جدی و بنیادین قرار گیرد.

مهم ترین اثری که از عقد انتقال به بار می آید انتقال مالکیت است. برای تحقق انتقال عمرانی، (۱۳۹۱) آثار انتقال سهم و سهم الشرکه در روابط طرفین، شرکت و اشخاص ثالث با نگاهی به حقوق انگلستان انجام داد مالکیت شرایطی چون اهلیت طرفین، قصد و رضا، مشروعیت قرارداد، ثبت انتقال و رضایت شرکت و نهادهای شرکت لازم و ضروری است و بدون آن شرایط عقد موثر نخواهد بود یا آنکه نیاز به تصویب بعدی خواهد داشت. در مرحله ی بعد با تحقق انتقال مالکیت آثاری چون الزام به تسلیم برگه ی سهم مطرح می گردد. در بحث از روابط طرفین پرسش دیگری مطرح شد که آیا با انتقال سهم، حق تقدم در خرید سهم که قبل از انتقال ایجاد شده است نیز منتقل می گردد یا اینکه این حق

در مالکیت انتقال گیرنده باقی خواهد ماند و دیدیم که این مسئله بستگی به این دارد که در نظر عرف حق تقدم در خرید سهم جزئی از توابع مبیع است یا خیر. انتقال سهم و سهم الشرکه در حقوق ایران و انگلیس انتقال گیرنده را نسبت به قراردادهایی که شریک قبل از انتقال داشته قائم مقام خواهد کرد و قراردادهای قبل از انتقال در مورد شریک جدید نیز اجرا خواهد شد. در حقوق ایران چنانچه در جریان دعوایی که مالک سهم اقامه نموده است سهم منتقل گردد گاهی این دعوا خاتمه یافته تلقی می گردد و گاه نیز انتقال گیرنده جانشین انتقال دهنده خواهد شد. در حقوق انگلیس یکی از راهکارهایی که برای خاتمه دادن به دعاوی ای که شریک علیه شرکت اقامه نموده است پیش بینی شده خرید سهم توسط شرکت است و این انتقال می تواند منجر به خاتمه ی دعوا شود. کاهش تعداد شرکا از حداقل مقرر در قانون در اثر انتقال سهم منجر به انحلال شرکت خواهد شد.

اهداف پژوهش :

انتقال سهم چه تعهداتی را برای سهام دار به دنبال دارد .

اقسام مختلف تابعیت شرکتهای سهامی ایرانی و خارجی چگونه با هم رقابت دارند

شرکت های سهامی ایرانی و خارجی تابعیت خود را طبق چه اصولی بیان می کنند

سوالات تحقیق

آثار انتقال سهام کدامند ؟

اقسام مختلف تابعیت شرکتهای سهامی ایرانی و خارجی کدامند ؟

شرکت های سهامی ایرانی و خارجی چگونه تابعیت خود را مشخص می کنند ؟

نوع روش تحقیق:

در هر پژوهش، پژوهشگر تلاش میکند تا مناسب ترین روش را انتخاب کند و آن، روشی است که دقیق تراز روشهای دیگر، قوانین، واقعیت را کشف کند بنابراین شناخت واقعیتهای موجود پی بردن به روابط میان آنها مستلزم روش پژوهش مناسب است (دلور، ۱۳۸۰: ۲۵) این تحقیق از نوع کتابخانه ای می باشد

مفهوم و انواع شرکت

در این بخش به مفهوم و انواع شرکت می پردازیم .

مفهوم شرکت

شرکت دارای مفهوم لغوی و اصطلاحی است.

مفهوم لغوی شرکت

درفر هنگ معین در مورد مفهوم شرکت آمده است :

۱ - (مص ل .) شریک شدن . ۲ - (امص .) شراکت ، انبازی . ۳ - شراکت بین چند نفر که هر یک به میزان سرمایۀ خود سهم دارد. (معین ، ۱۳۷۵: ۲۰۳۹)

درفلغ نامۀ دهخدا در تعریف شرکت آمده است:

شرکت . [ش ک ا] (ع مص) شریک شدن . انباز گشتن . همدست شدن در کاری . (امص ، ا) انبازی و شراکت (دهخدا، ۱۳۸۵: ۳۳۲)

در فرهنگ لغت عمید در تعریف لغوی شرکت آمده است:

۱. شریک شدن؛ انباز گشتن؛ هم دست شدن با یکدیگر در کاری، نهادی قانونی با فعالیتهای مخصوص بازرگانی (عمید، ۱۳۶۲: ۱۱۳۰)

مفهوم اصطلاحی شرکت

مفهوم شرکت را می توان از سه منظر بررسی کرد. فقه، حقوق کلاسیک و حقوق مدرن. از نگاه فقهی، شرکت یک عقد است که به اراده دو یا چند نفر نیاز دارد. عقد شرکت نمی تواند شخصیت حقوقی ایجاد کند و صرفاً موجب اشاعه یک مال بین چند مالک می شود. فلسفه تشکیل شرکت مدنی، تحصیل سود نیست بلکه اداره مال مشاع است. رابطه هر مالک با مال مشاع به طور مستقیم است و هر کدام از آنها در هر جزء از مال مشاع حق مستقیم دارند.

اما در حقوق، هدف از تشکیل یک شرکت به دست آوردن سود و کسب سرمایه بیشتر است. از این رو، عقد شرکت در حقوق جنبه تجاری دارد. برخلاف شرکت فقهی، رابطه مالکان سهم با شرکت رابطه مستقیم نیست، چرا که شرکت دارای شخصیت حقوقی می باشد و صاحبان سرمایه با این شخصیت حقوقی در ارتباط هستند نه با سرمایه شرکت. (pejvak-edalat.blogfa.com)

- مفهوم شرکت مدنی

در حقوق مدنی، شرکت به دو معنای عام و خاص به کار رفته است. در معنای عام شرکت عبارت از عقدی است که در آن طرفین سرمایه یا کار خود را برای رسیدن به سودی خاص جمعی کنند. در این معنا علاوه بر عقد شرکت، که موضوع مواد ۵۷۱ به بعد قانون مدنی است عقد مضاربه، عقد مزارعه و مساقات هم از مصادیق شرکت به حساب می آیند. (کاتوزیان، ۱۳۶۳: ۶، کاشانی، ۱۳۶۵: ص ۹ و بعد)

به موجب ماده ۵۷۱ قانون مدنی: «شرکت عبارت از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه» این شرکت ممکن است اختیاری یا قهری باشد. (ماده ۵۷۲ قانون مدنی) شرکت قهری بر توافق شرکاء استوار نیست، بلکه در نتیجه اجتماع حقوق مالکان، به سبب امتزاج یا اثر تحقق می یابد (ق.م. ۵۷۴) برعکس شرکت اختیاری حاصل اراده طرفین است، زیرا «یادرن نتیجه عقدی از عقود حاصل می شود یادرن نتیجه عمل شرکاء از قبیل مزج اختیاری یا قبول مالی مشاعاً» درازای عمل چند نفر.

درفقه و حقوق مدنی ایران درباره وجود عقدی مستقل به نام «شرکت» تردیدهایی وجود داشته است، معدودی از مولفان منکر وجود این عقد هستند. به عقیده اینان، شرکت نتیجه امتزاج و اشاعه در مالکیت است و این نتیجه ممکن است یا بر اثر یکی از عقود معین که شرکت را شامل نمی شوند حاصل شود یا به طور قهری. برعکس جمعی دیگر برای عقد شرکت اصالت قائل شده اند. این گروه عقد شرکت را در ایجاد اشاعه موثر دانسته و آن را در کنار بیع، صلح و معاوضه در زمره عقود معین شمرده اند، ظاهراً "قانون مدنی نیز همین نظر را اتخاذ کرده است؛ چه شرکت را در ذیل مبحث مربوط به عقود معین آورده است (کاتوزیان، ۱۳۶۳: ۱۲، کاشانی، ۱۳۶۵: ۲۱)

امادر حال حاضر عقیده غالب این است که اجتماع مالکیت اشخاص متعدد در شیء واحد می تواند به موجب عقدی صورت گیرد که عقد شرکت نام دارد. و شرکت را چنین تعریف کرده اند: عقدی است که به موجب آن دو یا چند شخص به منظور تصرف مشترک و تقسیم سود و زیان و گاه به مقصود دیگری حقوق خود را در میان می گذارند تا مالک سهمی مشاع از این مجموعه شوند. در این تعریف، عقد شرکت از اشاعه ساده جدایی پیدا می کند و شرکت در ایجاد آن هدفی خاص را دنبال می کند که می تواند یا به صورت بودن و تقسیم سود مادی باشد یا جنبه اخلاقی و اجتماعی داشته باشد، مانند کمک به درماندگان و تشویق دانشمندان و محققان. (اسکینی، ۱۳۸۶: ۱۸)

مفهوم شرکت تجاری

در قوانین موضوعه ایران شرکت تجاری تعریفی ارائه نشده است و آنچه قانونگذار در ماده ۵۷۱ قانون مدنی بیان نموده اثر شرکت مدنی است نه تعریف شرکت تجاری. (اسکینی، ۱۳۶۵: ۳۳)

علت سکوت قانونگذار در ایران این است که در قانون تجارت فرانسه که الگوی قانون تجارت مابوده است نیز شرکت تجاری تعریف نشده است، اما سکوت قانون تجارت فرانسه توجیه شدنی است؛ زیرا قانون مدنی این کشور در ماده ۱۸۳۲ شرکت را تعریف کرده است و قانونگذار فرانسه ضرورتی به تکرار آن در قانون تجارت ندیده است. در حالیکه تقلید صرف قانونگذار از قانون تجارت فرانسه خلأیی

قانونی ایجاد کرده است؛ چراکه آنچه در قانون مدنی ما در تعریف شرکت آمده با حقیقت شرکت در حقوق تجارت متفاوت است. درواقع درحالی که شرکت در حقوق تجارت ما ریشه در حقوق اروپایی دارد، شرکت در حقوق مدنی در درجه اول متکی بر موازین فقهی است.

انواع شرکت تجاری

از زمانهای بسیار قدیم، افراد بشر باجمع کردن سرمایه و تلاش خود با سرمایه و تلاش دیگران به منظور رسیدن به بازدهی اقتصادی بیشتر آشنا بوده اند. این جمع کردن سرمایه و تلاش در طول تاریخ صور گوناگونی به خود گرفته است. در زمان باستان و مدتها بعد از آن، گروههایی وجود داشته اند که از دویا چند نفر تشکیل شده بودند و نیروی خود را صرف فعالیتهایی بیش و کم پایدار می کردند. اعضای این گروهها گاه مدتی طولانی و گاه مدتی محدود همکاری می کردند. همکاری طولانی بیشتر در تجارت زمینی و همکاری محدود بیشتر در تجارت دریایی به کار می رفت. این گروهها را می توان اسلاف دو نوع عمده شرکت امروزی، یعنی شرکتهای سرمایه و شرکتهای اشخاص تلقی کرد. شرکتهای نوع دوم که در قدیم تنها شرکتهای موجود بودند، در حال حاضر در حال کاهش اند و بر عکس بر تعداد شرکتهای نوع اول افزوده می شود. بنابراین معرفی انواع شرکتهای تجاری که ناشی از نیازهای نامحدود بشر و ذهن خلاق وی و پس از تحول بزرگ تبدیل شرکت مدنی به شرکت تجاری به وجود آمده، پیش از ورود به بحث ضروری می نماید. از این گذشته در چارچوب قانون مدنی اشخاص مجبور نیستند که نیازهای خویش را در قالب یکی از عقود برآورده سازند زیرا ماده ۱۰ قانون مدنی و بنا به عقیده دیگر، عقد صلح چنین الزامی را منتفی می سازد. متقابلاً "قانون تجارت در زمینه شرکتهای تجارتی فاقد این ویژگی است و اشخاص ناگزیرند برای ایجاد شرکت های تجارتی یکی از قالب های از پیش تعیین شده را برگزینند. (اسکینی، ۱۳۹۳: ۷-۸، کاویانی، ۱۳۹۱: ص ۱۹-۲۰)

به موجب ماده ۲۰ قانون تجارت و ماده ۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، شرکتهای تجارتی منحصر به هفت نوع هستند:

- ۱- شرکتهای سهامی (عام و خاص) ۲- شرکتهای با مسئولیت محدود ۳- شرکتهای تضامنی ۴- شرکتهای نسبی ۵- شرکتهای مختلط سهامی ۶- شرکتهای مختلط غیر سهامی ۷- شرکتهای تعاونی

شرکت سهامی (عام و خاص)

شرکت سهامی به عنوان کاملترین نوع شرکت سرمایه ای، شرکت تجارتی است که در آن حقوق شرکاء که سهامدار نامیده می شوند به وسیله اوراق قابل معامله (سهام) مشخص می شود و صاحبان سهام فقط تا میزان آورده خود مسئول تعهدات شرکت می باشند. بموجب قانون اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷ "شرکت سهامی شرکتی است که حداقل از سه نفر تشکیل و در آن سرمایه به سهام مساوی تقسیم می شود و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست.

شرکت سهامی بر دو نوع است: شرکت سهامی عام که در آن قسمتی از سرمایه به وسیله موسسین شرکت و قسمتی دیگر از طریق فروش سهام به مردم تامین می گردد در شرکت سهامی خاص، که تمام سرمایه آن منحصراً به وسیله موسسین تامین می گردد در شرکتهای نوع اول عبارت «شرکت سهامی عام» و در شرکتهای نوع دوم، عبارت «شرکت سهامی خاص» حتماً باید قبل یا بعد از نام شرکت بدون فاصله با آن، در کلیه اوراق، اطلاعاتی ها و آگهی های شرکت، به طور روشن و خوانا نوشته شود. (ماده ۴ لایحه اصلاح قانون تجارت و تبصره آن)

در شرکت سهامی به صاحبان سرمایه، «صاحبان سهم» یا «سهام دار» گفته می شود؛ کسانی که سهام آنان، ویژه در شرکت های بزرگ و شرکتهایی که در سازمان بورس و اوراق بهادار حضور دارند، پیوسته دست به دست می شود؛ امری که شرکت سهامی را از شرکت با مسئولیت محدود مجزا می کنند. (اسکینی، ۱۳۷۵: ۳-۴)

به نظر میرسد که در قانون تجارت شرکت سهامی، ماهیتاً پیش از هر چیز یک قرارداد است، چرا که ایجاد شرکت سهامی نیاز به کسب مجوز از دولت نداشته و از طرفی رژیم حقوقی حاکم بر بطلان شرکت همان قواعد عام قراردادهاست، و وجود قواعد خاص برای بطلان شرکت سهامی که در لایحه قانونی مصوب ۱۳۴۷ مقرر گردیده به این معنا نیست که در صورت رعایت نکردن مقررات عام در تشکیل شرکت سهامی شرکت باطل نخواهد بود چرا که شرکت علاوه بر تبعیت از قوانین خاص تابع قوانین عام انعقاد قراردادها می باشد و کلی کاملاً تابع

قراردادشركاء نمی باشد، اما قانون گذار برای تشکیل شرکت سهامی و طرز کار آن مقررات مقرراتی وضع نموده که آزادی عمل صاحبان سهام و اداره کنندگان شرکت را محدود و برای عدم رعایت برخی مقررات ضمانت اجرای جزایی پیش بینی نموده است. بنابر این اشخاصی که با میل و رغبت خود قرارداد شرکتی را منعقد و با پس از تشکیل شرکت وارد آن میشوند در حیات شرکت نقش چندانی ندارند و شرکت در ادامه حیات خود تابع مقرراتی است که قانون گذار وضع کرده و ادامه حیات شرکت مستلزم رعایت آن مقررات می باشد.

شرکت با مسئولیت محدود

طبق ماده ۹۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱: "شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هریک از شرکا بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است."

همانگونه که از عنوان شرکت نیز بر می آید مسئولیت شرکا در برابر طلبکاران شرکت، به هرآنچه که به عنوان سرمایه به شرکت آورده اند، محدود می گردد. به عبارت روشن تر، طلبکاران شرکت برای وصول مطالبات خویش از شرکت، تنها به سرمایه شرکت متکی هستند و شرکا در برابر آنان مسئولیتی ندارند. کاملاً روشن است که این نوع شرکت، موجب تشویق سرمایه گذاری است و متقابلاً معامله گران با چنین شرکتی، ناگزیرند بررسی لازم را جهت اطمینان از توانایی شرکت در تادیه دیون احتمالی به عمل آورند. سازو کار اداره شرکت با مسئولیت محدود شاید در مقایسه با شرکت تضامنی و نسبی کاملتر به نظر آید مع ذالک برای گردآمدن تعداد زیادی شریک طراحی نشده است. برای ایجاد شرکت با مسئولیت محدود همچون شرکتهای نسبی و تضامنی حداقل سرمایه تعیین نشده است. در تصمیم گیری شرکت با مسئولیت محدود، گرایش به حکومت رای اکثریت بیشتر است. مع ذالک اکثریت مورد نظر مقنن در این نوع شرکت، تلفیقی از اکثریت عدد و سرمایه است. یعنی اینکه شخصیت یکایک شرکا و همچنین میزان آورده هریک به صورت توأمان مورد توجه قرار گرفته است. (کاویانی، ۱۳۹۱: ص ۲۴-۲۳)

انتقال سهام شرکتهای تعاونی

در انتقال سهام شرکت تعاونی می توان از انتقال اختیاری، انتقال قهری و انتقال آنها به عضو شرکت تعاونی یا غیر عضو گفتگو کرد:

انواع انتقال سهام:

۱- ارادی ۲- قهری

انتقال اختیاری سهام

سهام شرکت تعاونی ممکن است به عضو همان شرکت تعاونی یا به غیر، انتقال داده شود:

انتقال اختیاری (ارادی) سهام به عضو

انتقال سهام به عضو همان شرکت تعاونی مجاز است عضو شرکت تعاونی می تواند سهم یا سهام خود را به عضو دیگر همان شرکت تعاونی منتقل کند. قانون بخش تعاونی در این خصوص بیان صریحی ندارد و این امر از بند ۴ ماده ۳۷ این قانون که تصمیم گیری درباره انتقال سهام اعضا به یکدیگر را به هیئت مدیره شرکت تعاونی واگذار کرده است، مستفاد می شود. در نمونه اساسنامه شرکت تعاونی نیز آمده است: انتقال سهام شرکت تعاونی به اعضا یا متقاضیان جدید عضویت که واجد شرایط باشند، با موافقت هیئت مدیره مجاز است. (رجوع شود به دستورالعمل نحوه نظارت بر انتخابات تعاونیها و اتاق تعاون، مورخ ۱۳۷۸)

لازم به یادآوری است چنان که گفته شد مراتب نقل و انتقال و مشخصات منتقل الیه باید در دفتر سهام شرکت تعاونی ثبت و به امضای ناقل و منتقل الیه یا وکیل یا نماینده قانونی آنها برسد. در صورتی که تمام مبلغ سهم پرداخت نشده باشد، تادیه آن به ترتیب مقرر و در ظرف مدتی که در اساسنامه تعیین شده است، برعهده منتقل الیه خواهد بود. از آنجا که از لحاظ تعداد سهام و میزان سرمایه اعضا

شرکت‌های تعاونی بر دو قسم‌اند: شرکت‌هایی که تعداد سهام اعضا در آنها برابر است و شرکت‌هایی که تعداد سهام اعضای آنها برابر نیست. ر.ک به ماده ۲۲ قانون بخش تعاونی) و در قسم اخیر نیز به موجب آیین نامه مربوط، حداکثر تعداد سهام و میزان سرمایه‌ای که هر عضوی تواند داشته باشد نباید از ۱۵ درصد کل سرمایه شرکت تجاوز کند، هیئت مدیره باید توجه داشته باشد که در انتقال سهام عضو به عضو افزایش سهام ناشی از این انتقال، میزان سهام عضو را بر حسب مورد از تساوی یا از نصاب ۱۵ درصد مذکور خارج نکند.

انتقال اختیاری سهام به غیر عضو

انتقال اختیاری سهام شرکت تعاونی به غیر عضو مجاز نیست. این امر از مفهوم مخالف مفاد بند ۴ ماده ۳۷ قانون بخش تعاونی، که فقط انتقال سهام اعضاء به یکدیگر را تجویز می کند، حاصل می شود. علاوه بر این باید گفت: از آنجا که فقط عضو می تواند از منافع و حقوق متعلقه به سهم شرکت تعاونی منتفع شود و حقوق مذکور به سهمی که دارنده آن غیر عضو باشد تعلق نگرفته است و قابل حمل بر آن نیست، لذا اصولاً انتقال اختیاری سهام شرکت تعاونی به غیر عضو، «سالبه به انتفای محمول» (ر.ک به بند ۵ ماده ۲۵ قانون بخش تعاونی) است.

انتقال قهری سهام

انتقال قهری به عضو شرکت تعاونی

اگر عضو شرکت تعاونی فوت کند، سهم یا سهامی که وی در شرکت تعاونی دارد، مانند سایر اموال و حقوق مالی وی - قهراً به وارث یا وارث او منتقل می شود و اگر وارث وی عضو همان شرکت تعاونی باشد، در این حال انتقال قهری سهم شرکت تعاونی به عضو تحقق پیدا می کند و عضو مذکوره علاوه بر سهم یا سهام خود در شرکت، صاحب سهم یا سهام عضو متوفی نیز می شود. ممکن است در اثر انتقال سهم یا سهام متوفی، مقدار سهام عضو وارث در اثر افزایش، از تساوی مقرر در شرکت‌هایی که تعداد سهام اعضا برابر است، خارج شود یا از نصاب مقرر (حداکثر ۱۵ درصد کل سهام) که در آیین نامه مربوط تعیین شده است، تجاوز کند. در مورد انتقال اختیاری سهام - چنان که گفتیم - عدم موفقیت هیئت مدیره با انتقال سهام، از حدوث این وضع جلوگیری می کند. در مورد اخیر، چون انتقال قهری است و نمی توان از آن ممانعت کرد، پس لاجرم لازم است که شرکت تعاونی مابه التفاوت افزایشی را که از طریق این انتقال برای مقدار سهام عضو وارث به وجود می آید به او بپردازد تا بدین ترتیب از برهم خوردن تساوی تعداد سهام یا تجاوز از حداکثر مقرر مذکور جلوگیری شود. (حسنی: پیشین: ۷۵)

انتقال قهری سهام به غیر عضو

انتقال قهری به غیر عضو وقتی پیش می آید که عضو شرکت تعاونی فوت کند و هیچ کدام یا بعضی از ورثه وی که سهام به آنها منتقل می شود، عضو همان شرکت تعاونی نباشند. ماده ۱۴ قانون بخش تعاونی در این خصوص چنین مقرر می دارد: «در صورت فوت عضو، ورثه وی که واجد شرایط و ملزم به رعایت و مقررات تعاونی باشند، عضو تعاونی شناخته شده و در صورت تعداد بایستی مابه التفاوت افزایش سهم ناشی از تعدد خود را به تعاونی بپردازند، اما اگر کتباً اعلام نمایند که مایل به ادامه عضویت در تعاونی نیستند و یا هیچ کدام واجد شرایط نباشند، عضویت لغو می گردد». تبصره ماده مذکور اضافه می کند: «اگر تعدد ورثه بیش از ظرفیت تعاونی باشد، یک یا چند نفر به تعداد مورد نیاز با توافق سایر وارث، عضو تعاونی شناخته می شوند». برای تکمیل مطلب لازم است به ماده ۱۵ قانون بخش تعاونی نیز اشاره شود که به موجب آن در صورت لغو عضویت به سبب فوت، سهم و کلیه حقوق و مطالبات عضو متوفی به قیمت روز، تقویم و به دیون تعاونی تبدیل می شود که پس از کسر دیون وی به وارث یا ورثه او پرداخت می گردد.

ممکن است سهام عضو شرکت، در اثر اجرای حکم دادگاه که علیه او صادر شده است بابت بدهی وی در اختیار طلبکار قرار گیرد. روشن است که طلبکار بدهکار را - طبق مقررات راجع به بازپرداخت قیمت سهام - از شرکت تعاونی دریافت کند. (همان)

ورود به عضویت از طریق وراثت

ورود به عضویت از طریق وراثت را ماده ۱۴ قانون بخش تعاونی پیش بینی کرده است. قبلاً در بحث از انتقال قهری سهام، به ذکر این ماده پرداخته است. در اینجا یادآوری می شود که طبق ماده مذکور و تبصره آن، در صورت فوت عضو، وارث وی که واجد شرایط و ملزم

به رعایت مقررات تعاونی باشد، عضو شرکت تعاونی شناخته می شود و در صورت تعدد، ورثه باید مابه التفاوت افزایش سهام ناشی از تعدد خود را به شرکت بپردازند. اما اگر کتبا اعلام کنند که مایل به ادامه عضویت در شرکت نیستند و یا هیچ کدام واجد شرایط نباشند، عضویت لغو می شود. اگر تعداد ورثه بیش از ظرفیت شرکت تعاونی باشد، یک یا چند نفر در حد ظرفیت شرکت - با توافق سایر وراث - عضو تعاونی شناخته می شوند. اکنون طرذا للباب - متذکر می شود که: ماده ۱۴ قانون مذکور، عضویت در شرکت تعاونی را حقی محسوب داشته که عینا به وارث منتقل می شود و چون قابل تجزیه نیست که مشاع محسوب گردد و بین آنها به نسبت سهم الارث تقسیم شود، فرد فرد آنها را عضو شرکت به شمار آورده است، ولی اولاً چون عضویت در شرکت تعاونی مستلزم وجود شرایطی است وارثی را که واجد شرایط عضویت و ملتزم به رعایت مقررات تعاونی باشد عضویت شرکت شناخته است، ثانیاً چون در صورت تعدد وراث و واجد شرایط بودن همه آنها، ممکن است امکانات و مقدورات شرکت برای پذیرش تمام آنان کافی نباشد، مقرر داشته است که در صورت بیشتر بودن تعداد واجدین شرایط از ظرفیت تعاونی، یک یا چند نفر از آنها بر حسب امکان و با توافق سایر وراث، می توانند به عضویت پذیرفته شوند که در این حالت احتمال دارد وراث نتوانند به توافق برسند. در این صورت تکلیف شرکت برای مقابله با چنین وضعی روشن نیست و بهتر بود در این مورد نیز مانند مورد پیش، لغو عضویت وراث پیش بینی می شد.

آثار انتقال سهام شرکتهای تعاونی

اثر اصلی همه معاملات ناقله بین ناقل و منتقل الیه، انتقال مالکیت سهام مورد معامله می باشد. این اثر به مجرد وقوع معامله حاصل می شود. با توجه به مباحثی که قبلاً مطرح گردید، در حقوق ایران معاملات ناقله به هیچ وجه تشریفاتی نبوده و حتی اگر در مواردی مطابق قانون مانند انتقال سهام با نام یا سهم الشرکه در شرکت با مسئولیت محدود یا مطابق مواد اساسنامه تشریفات خاصی پیش بینی شده است، این معاملات را از رضایی بودن خارج نمی کند. البته با توجه به اینکه معاملات ناقله اعم از معوض و غیر معوض می باشد، بدیهی است که در معامله غیر معوض مانند هبه و وقف صرف ایجاب و قبول برای تحقق عقد کافی نبوده بلکه در کنار آن باید قبض نیز انجام بگیرد که به این اعتبار از آنها تحت عنوان عقود عینی تعبیر می شود. بنابراین تشریفات مربوط به انتقال سهام را باید به عنوان تشریفات مربوط به اثبات در نظر گرفت که با انجام آن، معامله می تواند در مقابل اشخاص خارج از اطراف قرارداد نیز قابل استناد باشد ولی هرگز چنین تشریفاتی را نمی توان شرط تحقق معاملات مزبور در نظر گرفت. بر این اساس معاملاتی که بدون رعایت شرایط مزبور انجام می گیرد یا معاملات قبل از اتمام شرایط مزبور، حداقل در روابط بین طرفین معامله را باید نافذ و معتبر دانست.

در هر حال علاوه بر انتقال مالکیت سهام به منتقل الیه، که اثر اصلی معاملات مزبور است، آثار دیگری نیز از معاملات مزبور ناشی می شود و به موجب آن هر یک از طرفین قرارداد ملزم به انجام تعهداتی می باشند. البته در معاملات ناقله غیر معوض مانند هبه، وقف و وصیت این تعهدات بهطور یک جانبه بر عهده ناقل می باشد و از این حیث تکلیفی بر عهده منتقل الیه قرار نمی گیرد. البته این تعهدات می تواند جنبه قانونی یا قراردادی داشته باشد ولی آنچه که در اینجا به دنبال آن بررسی آن هستیم تعهدات و آثار قانونی است نه تعهداتی که ناشی از شروط ضمن عقد باشد. برای روشن شدن این تکالیف و تعهدات، آنها را بطور جداگانه در مورد ناقل و منتقل الیه مورد بررسی قرار می دهیم.

آثار انتقال نسبت به انتقال دهنده

به مجرد وقوع عقد، ناقل ملزم به تسلیم سهام مورد معامله به منتقل الیه است. البته تکلیف ناقل در این مورد برحسب اینکه معامله معوض یا غیر معوض باشد می تواند متفاوت باشد. چنانکه معامله انجام گرفته معوض باشد مانند بیع یا صلح معوض یا صلح به مجرد وقوع عقد، ملزم به تسلیم مبیع و مصالح به خریدار یا متصالح است. و در صورت امتناع می توان الزام او را به تسلیم سهام فروخته یا مصالحه شده از دادگاه درخواست کرد. البته ناقل در اینگونه عقود از این حق قانونی برخوردار است که تسلیم آن را منوط به پرداخت عوض آن بنماید که از این حق او تحت عنوان «حق حبس» یاد می شود که قانونگذار آن را در ماده ۳۷۷ ق.م. به این شرح پیش بینی کرده است: «هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود مگر اینکه مبیع یا ثمن موجد باشد. در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود.»

این قاعده را اگرچه قانونگذار در بحث بیع مطرح کرده است، ولی به نظر می رسد یک قاعده کلی است و با استفاده از وحدت ملاک آن می تواند آن را به تمام عقود معاوضی، از جمله صلح معوض، تعمیم و تسری داد و اختصاص به عقد بیع ندارد.

در مورد معاملات غیر معوض مانند هبه و وقف این سوال مطرح می شود که آیا الزام به تسلیم سهام موردی خواهد داشت؟ با توجه به اینکه در این عقود، شرط تحقق عقد، قبض مورد معامله است و قبل از قبض هیچ اثر حقوقی ایجاد نمی شود و واهب یا واقف یا موصی می تواند در هر لحظه ای از ایجاد عدول نماید، الزام به تسلیم منتفی است و با قبض آن نیز دیگر تعهدی بر عهده ناقل باقی نمی ماند تا ملزم به انجام آن باشد.

در مورد اینکه تسلیم و قبض سهام چه زمانی تحقق می یابد؟ قبلاً بیان گردید که با توجه به مفهوم عرفی قبض، کیفیت قبض بر حسب اینکه سهم با نام یا سهم بی نام یا سهم الشرکه در شرکت های غیر سهامی باشد متفاوت خواهد بود. با توجه به اینکه قبلاً در این مورد بحث شده است، فقط اشاره می شود که در سهام بی نام، قبض بوسیله تسلیم اوراق سهام به منتقل الیه حاصل می شود. ولی در مورد سهام با نام به صرف تسلیم اوراق سهام نمی توان گفت که ناقل به تعهدات خود عمل کرده است. زیرا به صرف تسلیم آنها، منتقل الیه متمکن از انحاء تصرفات در آن نشده و استیلای عرفی بر آن پیدا نمی کند. بنابراین ناقل به همراه تسلیم اوراق سهام، متعهد به امضای دفتر ثبت سهام شرکت مطابق ماده ۴۰ ل.ق.ت می باشد و در صورت امتناع از ثبت، می توان الزام او را به ثبت از دادگاه درخواست کرد.

در مورد انتقال سهم الشرکه در شرکت های غیر رسمی که اوراقی به این نام در اختیار ناقل قرار ندارد، قبض مادی قابل تصور نمی باشد بلکه ناقل باید به گونه ای این امکان را فراهم کند که منقل الیه بتواند به انتقال مزبور در مقابل شرکت استناد کرده و بتواند از حقوق متعلق به سهام استفاده نماید. البته در مورد شرکت با مسئولیت محدود که مطابق ماده ۱۰۳ ق.ت انتقال سهم الشرکه باید به موجب سند رسمی باشد، بدون تنظیم سند رسمی تسلیم به طور کامل تحقق نمی یابد.

همچنین یکی از تعهدات ناقل در معاملات معوض این است که هرگاه سهام فروخته شده مستحق للغير درآید، ضامن درک سهام مورد معامله می باشد. به نظر می رسد این امر فقط در مورد سهام بی نام شرکت های سهامی امکان دارد و در سایر موارد قابل تصور نیست که شخصی بتواند سهام متعلق به دیگری را مورد معامله قرار دهد.

آثار انتقال نسبت به انتقال گیرنده

هرگاه معامله ای که سهام به موجب آن انتقال می یابد از نوع معامله های غیر معوض باشد، منتقل الیه هیچ تکلیفی در مقابل ناقل ندارد. برعکس در معاملات معوض، منتقل الیه ملزم به تادیه عوض به ناقل می باشد.

نحوه پرداخت و تسلیم آن تابع اراده طرفین معامله است و در صورت سکوت طرفین، منتقل الیه ملزم است آنرا فوراً پرداخت نماید. چنانکه معامله مزبور عقد بیع باشد، و مشتری تا سه روز از تاریخ بیع ثمن را پرداخت ننماید، فروشنده مطابق مقررات مربوط به خیار تاخیر ثمن می تواند معامله را فسخ نماید (ماده ۷۰۲ ق.م).

همچنین هر یک از طرفین عقد بیع می توانند تا زمانی که متفرق نشده اند معامله را فسخ نمایند (ماده ۳۹۷ ق.م). البته منتقل الیه نیز در قبال تکلیف به پرداخت عوض می تواند از حق حبس مطابق ماده ۳۷۷ ق.م استفاده کند و پرداخت آن را موکول به تسلیم سهام مورد معامله نماید.

آثار انتقال در مورد شرکت و اشخاص ثالث

انتقال سهام علاوه بر ناقل و منتقل الیه نسبت به شرکت و اشخاص ثالث نیز آثاری به دنبال دارد و تکالیف و حقوقی را برای آنها ایجاد می کند. در حالی که هیچکدام از آنها در ایجاد معامله هیچ نقشی نداشته و حتی رضایت آنها نیز شرط نفوذ معامله نبوده است. این آثار را در دو قسمت جداگانه مورد اشاره قرار می دهیم.

آثار انتقال در مورد شرکت

آثار انتقال در مورد شرکت می تواند به صورت مثبت و منفی مطرح شود. منظور از آثار مثبت عبارت از حقوقی است که در اثر انتقال، شرکت از آن برخوردار می شود. بر عکس آثار منفی عبارت از تعهداتی است که شرکت متعهد به انجام آن می شود.

بطور کلی هرگاه انتقال سهام مطابق مقررات قانونی و ضوابط اساسنامه انجام گیرد، آثار حقوقی ناشی از آن در مقابل شرکت نیز نافذ و معتبر خواهد بود. ولی در مورد انتقال سهام با نام، به موجب ماده ۴۰ ل.ا.ق.ت این انتقال در صورتی که از نظر شرکت و اشخاص ثالث معتبر خواهد بود که انتقال مزبور در دفتر ثبت سهام شرکت ثبت و ناقل یا وکیل یا نماینده قانونی او آنرا امضا کند. در هر حال انتقال با شرایط موصوف شرکت را متعهد می کند که منتقل الیه را به عنوان شریک شرکت به رسمیت بشناسد و این امکان را فراهم کند که وی بتواند از حقوق متعلق به سهام خویش استفاده نماید. بدین ترتیب که شرکت باید به او اجازه دهد در جلسات شرکت یا مجامع عمومی حضور یابد و به هنگام تصمیم گیری بتواند از حق رای متعلق به سهام خویش استفاده نماید و اگر سودی به سهام او تعلق گرفته است، آن را در اختیار منتقل الیه قرار دهد و غیره.

در مورد انتقال سهام با نام، علاوه بر تعهد مزبور، شرکت متعهد است امکان ثبت انتقال سهام مزبور را در دفتر ثبت سهام، شرکت فراهم نماید. در واقع تعهد شرکت به ثبت انتقال، یک تعهد قانونی است که از معامله مربوط به انتقال ناشی می شود. بطوری که شرکت نمی تواند از انجام تعهد مزبور بدون دلیل موجه خودداری کند و در صورت امتناع از انجام آن می توان الزام شرکت را به انجام تعهد مزبور درخواست نمود.

البته در مواردی شرکت ملزم به امتناع از ثبت است. برای نمونه در صورتی که از مراجع قضایی حکم یا قراری مبنی بر توقیف سهام به منظور تامین خواسته یا محکوم به به شرکت ابلاغ شده باشد، شرکت نباید انتقال را ثبت نماید و موظف است مطابق دستور مقامات قضایی عمل نماید.

مورد دیگر در مورد ممنوعیت ثبت انتقال قبل از پرداخت مالیات متعلق به درآمد حاصل از فروش سهام می باشد. برای این منظور ناقل باید به حوزه مالیاتی مراجعه و پس از پرداخت مالیات گواهی لازم را جهت ارائه به شرکت دریافت نماید و شرکت تنها با ارائه گواهی مزبور، می تواند انتقال مربوط به سهام را ثبت نماید.

آثار انتقال نسبت به اشخاص ثالث

اشخاص ثالث اشخاصی هستند که اراده ایشان در تشکیل معامله دخالت نداشته باشد و به علاوه قائم مقام متعاملین نیز نیستند. اصل کلی این است که قرارداد نمی تواند نسبت به کسانی که در تشکیل آن دخالت نداشته اند اثری به سود یا زیان ایشان داشته باشد. اصل مزبور در مورد انتقال سهام شرکت های تجاری در مواردی دچار اشکال می شود. برای نمونه در موردی که سهام یک شرکت سهامی انتقال می یابد و همه مبلغ اسمی آن پرداخت نشده باشد چنانکه این شرکت بعد از انتقال ورشکست گردد و طلبکاران شرکت نتوانند مطالبات خود را از اموال و دارایی شرکت وصول نمایند، شخص ثالث (طلبکار) می تواند به میزان باقیمانده مبلغ اسمی سهام مزبور، به دارنده سهام فعلی (منتقل الیه) مراجعه نماید و آن را از او مطالبه نماید. همچنین است در مورد شرکت تضامنی و نسبی که منتقل الیه با ورود خود به شرکت، نه تنها نسبت به قروض بعد از ورود خود مسئولیت تضامنی یا نسبی خواهند داشت بلکه نسبت به قروض قبل از ورود خود نیز، بر حسب مورد، مسئولیت تضامنی یا نسبی خواهد داشت. چنانکه ماده ۱۲۵ ق.ت در مورد شرکت تضامنی مقرر می دارد: «هرکس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامنا با سایر شرکا مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.» همچنین ماده ۱۸۸ ق.ت در مورد شرکت نسبی مقرر می دارد: «هرکس به عنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه که در شرکت می گذارد مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده باشد یا نشده باشد قرار شرکا بر خلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد.»

بنابراین هرگاه در ضمن یک معامله راجع به سهم الشرکه، شرط شود که منتقل الیه نسبت به قروض قبل از ورود خود به شرکت قضایی یا نسبی در قبال اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی یا نسبی نداشته باشد به تصریح مواد فوق این شرط نسبت به اشخاص ثالث فاقد اعتبار است. از مفهوم مواد فوق استفاده می شود که چنین شرطی در رابطه بین متعاملین نافذ و معتبر است. در نتیجه هرگاه در اثر ورشکستگی شرکت، اشخاص ثالث (طلبکاران) برای وصول مطالبات خود به منتقل الیه مراجعه نموده و طلب خود را از او وصول نموده باشند، بموجب شرط مزبور منتقل الیه می تواند به ناقل مراجعه و آنچه را پرداخت کرده است از او مطالبه نماید.

نتیجه گیری

۱- شرکتهای تعاونی از شرکتهای تجاری پیش بینی شده در مقررات تجاری ایران است. سرمایه این شرکت مانند سایر شرکت های تجاری از محل آورده شرکاء تشکیل می گردد و در ازای آورده، به شریک سهم تعلق می گیرد. در مورد ماهیت حقوقی سهام شرکتهای تجاری از جمله شرکت تعاونی اختلاف نظر وجود دارد، ولی عقیده ای که آن رایج حق مالی خاص معرفی می کند درست است. به علاوه سهم یک مال منقول است، هرچند آورده شریک غیر منقول بوده باشد.

۲- سهام شرکت تعاونی ممکن است به عضو همان شرکت تعاونی و یا به غیر عضو انتقال داده شود. انتقال سهام به عضو همان شرکت تعاونی مجاز است. عضو شرکت تعاونی می تواند سهم یا سهام خود را به عضو دیگر شرکت تعاونی منتقل کند. قانون بخش تعاونی در این خصوص بیان صریحی ندارد و این امر از بند ۴ ماده ۳۷ این قانون که تصمیم گیری در باره انتقال سهام اعضا به یکدیگر را به هیئت مدیره شرکت تعاونی واگذار کرده است، مستفاد می گردد.

انتقال اختیاری سهام شرکت تعاونی به غیر عضو مجاز نیست. این امر از مفهوم مخالف مفاد بند ۴ ماده ۳۷ قانون بخش تعاونی، که فقط انتقال سهام اعضا به یکدیگر را تجویز می کند، حاصل می شود.

اگر عضو شرکت تعاونی فوت کند، سهم یا سهامی که وی در شرکت تعاونی دارد، مانند سایر اموال و حقوق مالی وی - قهراً به وارث یا وراث او منتقل می شود و اگر وراث یا وارث وی عضو همان شرکت تعاونی باشند در این حال انتقال قهری سهم شرکت تعاونی به عضو تحقق پیدا می کند و عضو مذکور علاوه بر سهم یا سهام خود در شرکت، صاحب سهم یا سهام عضو متوفی نیز می شود.

۳- اثر اصلی انتقال سهام در تمام معاملات ناقله اعم از معوض و غیر معوض انتقال مالکیت سهام مورد معامله از ناقل به منتقل الیه می باشد. در مواردی که سهام مورد معامله، سهام ممتاز باشد، با انتقال سهم مزبور به منتقل الیه، علاوه بر انتقال حقوق و مزایای عادی متعلق به آن، تمام مزایا و امتیازهای مربوط به آن نیز انتقال خواهد یافت. و تنها کسی می تواند از این امتیازها استفاده نماید که نام او در دفتر ثبت شرکت به ثبت رسیده باشد.

انتقال سهام علاوه بر ناقل و منتقل الیه نسبت به شرکت و اشخاص ثالث نیز آثاری به دنبال دارد و تکالیف و حقوقی را برای آنها ایجاد می کند. در حالی که هیچکدام از آنها در ایجاد معامله هیچ نقشی نداشته و حتی رضایت آنها نیز شرط نفوذ معامله نبوده است.

-پیشنهادهات:

۱- به موجب ماده ۱۲ قانون بخش تعاونی خروج عضو از تعاونی اختیاری بوده و منعی برای آن وجود ندارد ولی به نظر می رسد برای خروج عضو باید محدودیت و زمانی مشخص کرد تا خروج عضو باعث اشکال و وقفه در فعالیت شرکت نشود.

۲- به موجب عبارت اخیر ماده ۱۴ قانون بخش تعاونی که مقرر می دارد اگر وراث یا وارث «کتباً اعلام نمایند که مایل به ادامه عضویت در تعاونی نیستند، عضویت لغو می گردد». با توجه به اینکه تعلل وراث در اعلام نظر کتبی یا به تاخیر انداختن آن برای شرکت تعاونی ایجاد بلا تکلیفی خواهد کرد لذا پیشنهاد می گردد مهلتی برای این امر تعیین شود و عدم اعلام نظر وراث ظرف آن مدت انصراف محسوب گردد تا از این طریق از حدوث اشکال جلوگیری کند.

منابع و مآخذ

- ۱- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، چاپ اول: تهران، انتشارات سمت، پاییز، ج ۱، ۱۳۷۵.
- ۲- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت شرکتهای تجاری، تهران، سمت، چاپ نهم، جلد ۲، ۱۳۸۰
- ۳- اسکینی، ربیعا، شرکتهای تجاری، جلد اول، ۱۳۸۶
- ۴- حسینی، حسن، حقوق تجارت، نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۵
- ۵- حسینی، مرتضی، شرکت و مفاهیم آن و مختصات شرکت مدنی، فصل نامه حق، دفتر هفتم، مهر-آذر-۱۳۵۶.
- ۶- خزعلی، حسین، حقوق تجارت شرکتهای تجاری، تهران، نشر قانون، چاپ اول، جلد دوم، ۱۳۸۵
- ۷- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، نشر دانشگاه تهران، واژه شرکت، ۱۳۸۵.
- ۸- شهیدی، مهدی، وضعیت حقوقی تصرفات شریک در مال مشاع، فصل نامه حق، دفتر ۶، ۱۳۶۵.
- ۹- صقری، منصور، تحولات حقوق خصوصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ج ۲، ۱۳۷۱.
- ۱۰- عرفانی، محمود، حقوق تجارت، تهران، نشر ماجد، چاپ هشتم، جلد ۲، ۱۳۷۷.
- ۱۱- عمید، حسن، فرهنگ لغت عمید، نشر ابن سینا، واژه شرکت، ۱۳۴۲.
- ۱۲- عیسایی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجارت، ۱۳۷۸.
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، صلح، عطایا، مشارکتها، چاپ اول: تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۵۶.
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، چاپ اول: تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۳.
- ۱۵- کاشانی، محمود، شرکت مدنی، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره دوم، ۱۳۶۵.
- ۱۶- معین، محمد، فرهنگ معین، نشر جلدی، واژه شرکت، ۱۳۸۷.
- ۱۷- منصور، جهانگیر، قوانین و مقررات تعاون و شرکتهای تعاونی، انتشارات دیدار، ۱۳۹۱.
- ۱۸- الماسی، نجاد علی، تعارض قوانین، ج اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
- ۱۹- کاویانی، کورش، حقوق شرکت های تجاری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶
- ۲۰- نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، نشر آگاه، ۱۳۷۲
- ۲۱- کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، انتشارات فرزاد، ۱۳۶۸
- ۲۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق تعهدات، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۹.
- ۲۳- حائری، سید علی، شرح قانون مدنی، ج ۱، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
- ۲۴- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۳، نشر دادگستر، ۱۳۸۸.
- ۲۵- اخلاقی، بهروز، اسناد تجاری، جزوه درسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۶- طالب، مهدی، اصول و اندیشه های تعاونی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۷- شیروانی، علیرضا، اقتصاد و تعاون، انتشارات سازمان مرکزی تعاون با همکاری دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۶۸.
- ۲۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۸
- ۲۹- یگانه، فریدون، حقوق بازرگانی، تهران، انتشارات اشک قلم،
- ۳۰- شکیبیا، محمد، مدیریت تعاونیها، انتشارات میر، ۱۳۸۳
- ۳۰- حسینی، حسن، حقوق شرکتهای تعاونی، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۹
- ۳۲- قانون مدنی فرانسه، ماده ۵۲۹
- ۳۳- قانون ثبت، مواد ۴۷ و ۴۸
- ۳۴- دشتی، رحمت، توثیق سهام، انتشارات اندیشه عصر، ۱۳۹۰
- ۳۵- عبادی، محمد علی، حقوق تجارت، گنج دانش، ۱۳۶۸

Review:

One of the most important domestic and foreign business companies is a cooperative company. In return for its partner's shareholder, it contributes to its shareholding. Various discussions arise about the company's shareholding, including the nature and nature of the stock What is this company? Another issue that arises is is it possible to transfer the stock of these companies, or, if possible, what are the conditions and the effects? The results of this study indicate that the shares of Iranian and foreign joint stock companies should be regarded as a financial right, which is also valid. In addition, there is a difference between transferring it to a company member and a non-member firm, and a violent transfer of shares. In this way, the optional transfer of shares of the Iranian and Khaji companies to a member of the same company is allowed and the member of the cooperative company can transfer its shares or shares to another member of the same company. Optional transfer of shares of Iranian and Khaji stock companies to non-members is not allowed. The transfer of a shareholder to a non-member of the Iranian joint stock company and the Khaji era comes when a member of the cooperative company dies and none of his or her heirs whose shares are transferred to them are not part of the same cooperative company, in which case the shares would be strictly His heirs will be transferred. There will also be a transfer of shares in respect of the transferor and transferee of the company and the company, which will be examined in this letter.

Key words:

Cooperative company, share, nature, property, transfer